

بسم الله الرحمن الرحيم

الكلام في شروط المتعاقدين

صفحه ی ۲۸۳

جلسه هفتم

۲۲ شهریورماه ۱۴۰۰

استاد شورگشتی

### توضیح

بیان کردیم که بر فعل عمدی و با قصد صبی، هیچ اثری بار نمی شود از جمله اثر شرعی وضعی مالی که در اصطلاح خودمان می شود همان ضمان. البته در جنایات، دلیل خاص تعبّدی داریم که می گوید دیه بر گردن عاقله است. تحمله العاقله دو کار انجام می دهد؛ یک کار سلبی می کند که دیه بر خود این صبی یا مجنون نیست و این مورد را از افعال ارادی صبی و مجنون خارج می کند و یک کار اثباتی می کند که دیه بر عاقله است. مسأله ی دیه ی متحمّل بر عاقله به نحوی بیمه ی شرعی محسوب می شود و یک شکل استحکام بخشی به خانواده ها است.

### وعلی هذا

که حتّی مؤاخذه ی مالی دنیوی هم رفع شده. از این عبارت شیخ به بحث خودمان که انشاءات صبی می باشد، وارد می شود.

چهار مورد سبب ضمان می شوند: جنایت (سبب ضمان دیه است که دیه یک مقرر شرعی است و با بدل واقعی متفاوت است)، اتلاف (مربوط به اموال است و قصد در آن دخالتی ندارد و در این مورد باید بدل مثل و قیمت پرداخت شود و مقرر شرعی ندارد)، اقرار (شخصی اخبار کند که من فلان قدر به فلانی بدهکارم)، انشاء (کسی که میخرد یا می فروشد ضامن همان کالا یا همان ثمن است)

درست است که تحمله العاقله قرینه برای اختصاص روایت به باب جنایات است اما صدر روایت کلیه ی احکام وضعی را مسلوب می داند یعنی کلاً ضمان بر او مترتب نمی شود پس باید محدوده ی روایت را توسعه دهیم و آن را مختص جنایت ندانیم.

فإذا التزم على نفسه مالا بإقرارٍ أو معاوضةٍ ولو بإذن الوليِّ  
اگر اسباب ضمان از صبی سر بزند چه به اقرار چه با انشاء، اگر چه با اذن ولی باشد چون  
روایت اطلاق دارد و می گوید عمدالصبی خطأً چه با اذن باشد و چه بی اذن.

فلا أثر له في إلزامه بالمال ومؤاخذته به ولو بعد البلوغ  
یعنی هیچ ضمانی بر گردن این صبی نیست حتی بعد بلوغ. یعنی بعد از این که بالغ شد هم  
قائل بع ضمان نیستیم.

فإذا لم يلزمه شيء بالتزاماته ولو كانت بإذن الولي ، فليس ذلك إلا لسلب قصده وعدم  
العبرة بإنشائه  
حالا که صبی اسباب التزامات عادی را انجام دهد هم لزومی به گردن او نیست حتی با اذن  
ولی، دلیلش چیزی جز مسلوب القصد و العبارة بودن صبی نمی تواند باشد. همان حرفی که  
مشهور می زنند.

إذ لو كان ذلك لأجل عدم استقلاله وحجره عن الالتزامات على نفسه ، لم يكن عدم  
المؤاخذه شاملاً لصورة إذن الولي ، وقد فرضنا الحكم مطلقاً  
اگر این ممنوعیت معاملات صبی و این بی اثر بودن انشاء او به خاطر مستقل نبودنش در  
انشاء و حجرش بود، عدم مواخذه شامل صورت اذن ولی نمیشد و حال آن که در اینجا شامل  
اذن ولی هم می شود و در صورت اجازه ی ولی هم مواخذه ای برای صبی وجود ندارد. حکم  
را مطلق فرض می کنیم چون روایت کاملاً در مقام بیان است؛ اگر کسی خطأً بیع اجرا کرده  
باشد، نمی تواند بعداً بیع خطای خودش را اجازه کند و اذن سابق هم فایده ندارد. عمد صبی  
نیز مانند خطا است و اصلاً قابل اجازه نیست و مثل بیع فضولی مقتضا هم ندارد که مبتلا به  
مانع باشد بلکه اصلاً اقتضا ندارد.

فیدلّ بالالتزام علی کون قصده فی إنشاءاته وإخباراته مسلوب الأثر  
مدلول التزامی روایت این را می رساند که معاملات صبی مسلوب الاثر است اما دلالت مطابقی  
می رساند که قصد صبی کالعدم است.  
تا اینجا سه مورد از اسباب ضمان از دایره ی بحث خارج شد و گفتیم که جنایت و اقرار و  
انشاء برای خود صبی ضمان آور نیست.

@Ostad\_shoorgashiti